

■ **الهه هاشمی**

محمدعلی پاشه آهنگر را با فیلم «ملکه» می‌شناسیم. فیلمسازی که همواره نگاه ویژه‌ای به جنگ داشته و اکنون پس از گذشت شش سال با فیلمی دیگر پیرامون جنگ به نام «سرو زیر آب» در سینما حضور پیدا کرده است. داستان فیلم «سرو زیر آب» در باره شهدای مفقودالائو و سرگردانی خانواده‌های آنهاست که به‌دنبال خبر و نشانی از آنها می گردند. این فیلم از بیرون کشیدن یک سنگ یادگاری از مزار شهیدی که زیر آب مانده شروع می شود و سپس به زمان جنگ و ستاد معراج می‌رود و دوباره به اول فیلم می‌رسد. خبرنگار «جوان آنلاین» با محمدعلی پاشه آهنگر، کارگردان فیلم «سرو زیر آب» به گفت‌وگو نشست‌ه است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

**با توجه به روایتی که شما از شهدا در فیلم «سرو زیر آب» داشتید، نگران این موضوع نشدید بد که خانواده‌های شهدا به کار بچه‌های معراج شهدا شک و شبهه داشته باشند؟**

در طول دوران جنگ به‌خصوص در سال‌های ۶۲ و ۶۳ خیلی از زندگان مان که در دل جنگ می‌رفتند پلاک و علامت‌های شناسایی درستی نداشتند. از طرفی بسیاری از نیروهای مردمی بدون پلاک وارد جنگ می‌شدند. خود من بعد از شش سال حضور در میدان جنگ، سال ۶۵ بود که پلاک گرفتم. در اوایل جنگ بسیاری از آنهایی که به جبهه می‌آمدند یک کارت شناسایی برای ورود به منطقه جنگی برایشان صادر می‌شد. مثلاً بعضی‌ها با کارت دانش‌آموزی، برخی با کارت بسیجی و کاردی برای ورود به منطقه جنگی به عضو می‌شدند و کاردی برای حضور در منطقه جنگی به نامشان صادر می‌شد. بعد از مدتی بررسی کردند و گفتند شاید این روش برای شناسایی افراد مشکلاتی را ایجاد کند، بنابراین اعلام کردند پشت بقه لباس، روی برگ چیب و پشت زبانه پوتین هر کسی از سمش نوشته شود. این کار هم انجام شد اما از یک تاریخی به بعد و به‌تدریج پلاک وارد چرخه نیروهای مردمی‌شدند. اوایل پلاک‌ها در اطراف میدان شوش زده می‌شد و آلوئیمیوم‌های پلاک را به شکل تقریباً مربع می‌بریدند و باعث زخم شدن بدن رزمنده‌ها می‌شد چون گوشه‌های پلاک‌ها تیز بریده می‌شد. بعد از آن دوستان معراج، پلاک‌ها را به مناطق دیگری بردند و سعی کردند با شکل و شمایل گوشه‌های تیز پلاک از نور کم‌شد تا به بدن آسیب نزنند. از زمانی که کشور تحریم شد، زنجیر پلاک هم وارد نمی‌شد و بچه‌ها مجبور می‌شدند پلاک‌ها را با سیم تلفن صحرایی به گردنشان آویزان کنند. همین سیم‌ها هم باعث آسیب می‌شد و گردن رزمندگان را زان می‌کرد. گاهی اوقات در جنگ رزمندگان پلاک‌های شهدا را از گردنشان درمی‌آوردند تا شهادت دوستانشان را اعلام کنند، اما وقتی پیکر شهدا جا‌به‌جا می‌شد دیگر فاقاد علامت شناسایی بود. بسیاری از شهدا نیز در اثر درگیری‌ها لباسشان می‌سوخت یا پوتین‌هایشان از ایشان در آمده بود و از آنجایی که پلاک مهم‌ترین علامت شناسایی شهدا بود باعث می‌شد که دیگر قابل شناسایی نباشند. آن‌وقت جزو شهدای گمنام محسوب می‌شدند. مثلاً در گلستان شهدای آبان‌ان یا در صفهان و خرمشهر شهدای گمنام زیاد دفن شده‌اند. اینها همان شهدایی هستند که پیکرشان شناسایی نشده و به‌عنوان شهید گمنام دفن شده‌اند.

**کار شناسایی شهدا که فقط در یک مرکز انجام نمی‌شد؟**

نیروهای معراج شهدا ناب‌ترین بچه‌هایی بودند که در دوران جنگ با سختی‌های فراوان مسئولیت رساندن پیکر دقیق و درست شهدا را نزد خانواده‌هایشان آن هم با کمترین امکانات برعهده داشتند. پنج معراج اصلی داشتیم که مهم‌ترین آن معراج مرکزی شهدای اهواز بود. معراج دوم آندیمشک بود که قبل از اهواز درست شد. معراج سوم در سنندج، معراج چهارم در کرمانشاه و معراج پنجم در ارومیه قرار داشت، اما از آنجایی که پیکرها از مناطق مختلف جنگی باید به معراج اصلی انتقال پیدا می‌کردند، معراج‌های کوچک و موقتی با عنوان معراج‌های تاکتیکی درنظر گرفته شد و پیکر شهدا را در آنجا انتقال می‌دادند و آنجا برای شناسایی شهید تلاش می‌کردند تا اگر علامتی دارد پیش از آنکه گم شود آن را پیدا کنند. سپس در صورت پیدا شدن علامت شهید را با فرم شناسایی انتقال می‌دادند. البته این‌کار از اول انجام نمی‌شد و بعد از مدتی تجربه چنین تصمیماتی گرفته شد.

**پلاک‌های دو تکه هم استفاده می‌شد؟**

بعد از سال ۶۰ بود که آرام آرام بخش پلاک‌های دو تکه راه‌اندازی شد، اما از آنجایی که جبهه ما هزار و ۲۰۰ کیلومتر بود و همچنین نیروهای مردمی بیشترین حضور را در جنگ داشتند، این پلاک‌ها جوابگوی جمعیت نبود، بنابراین خیلی از نیروهای مردمی بدون پلاک به جنگ می‌رفتند. مثلاً در عملیات مرصاد که بعد از پذیرش قطعنامه نیاز به حضور نیروهای زیادی داشتیم تا وقتی که نیروهای اصلی برسند مردم حضور پیدا کردند و جلوی متجاوزان ایستادند و جنگیدند، با این سرعت امکان رساندن پلاک برای آنها نبود برای همین مردم بدون پلاک وارد جنگ شدند و بعد از شهادت شناسایی آنها به سختی انجام می‌شد. این در حالی است که معراج شهدا تمام تدبیرهای لازم را به کار گرفته بودند و ۵۰ مورد دستورالعمل قانونی را برای شناسایی، انتقال و معرفی به خانواده‌ها اجرا می‌کردند و وظایف سنگینی را بر عهده داشتند.

**چقدر زمان برای شناسایی پیکر شهدا وجود داشت؟ برای تحقیقات بیشتر امکان نگهداری از پیکر شهدا نبود؟**

برخی پیکرهای شهدا که پیدا می‌شدند امکان شناسایی آنها وجود نداشت و مجبور به دفن آنها به‌عنوان شهدای گمنام می‌شدند. شهیدی را به‌نام امیر سربدار می‌شناسایی می‌کردند و می‌خواستند در بروجرد دفن کنند. به‌صورت کاملاً اتفاقی امیر سربداری به بروجرد آمد و دید قصد دفن شهیدی را با نام او دارند. او گفت که نام این شهید محمد ارغنده است و نه امیر سربداری! در واقع



**گفت‌وگوی «جوان آنلاین» با کارگردان فیلم «سرو زیر آب»**

# باید به ناگفته‌های جنگ نزدیک شویم

**پدر و مادر شهیدی را که ۳۰ سال چشم انتظار فرزندشان نشسته‌اند درک نکرده‌ایم**

ماجرا از این قرار بود که شهید محمد ارغنده هنگام نماز خواندن دنبال لباس تمیزی می‌گشته و امیر سربداری یک‌دست از لباس‌های تمیزش را به او می‌دهد. همان وقت بود که خمپاره‌ای نزدیک شهید محمد ارغنده می‌زند و او و چند نفر دیگر به شهادت می‌رسانند. از آنجایی که بدن شهید ارغندی به شدت آسیب می‌بیند و فقط از روی نوشته لباسش قابل شناسایی بوده، او را به عنوان شهید امیر سربداری معرفی می‌کنند. از این دست اتفاقات در جنگ داشتیم.



حساسیت‌هایی وجود دارد. در ذهن من این بود که ممکن است در فیلم صحنه یا دیالوگ خاصی وجود داشته باشد که اینقدر با مخالفت روبه‌رو شده است، اما در کنار فیلم‌های مبتذل که مجوز نمایش می‌گیرند چطور برای تولید چنین فیلم شریفی سختگیری شد؟ این نگاه‌های مخالف از کجا می‌آید؟

دوستان مخالف فیلم «سرو زیر آب» را دقیق نمی‌شناسم. آنهایی که به‌صورت مستقیم با من صحبت می‌کنند فیلم را تأیید کرده‌اند اما پشت پرده واقعاً نمی‌دانم چه خبر است؟ این سؤال شما برای خود من هم مطرح است و می‌خواهم منتقدان خودشان را معرفی کنند و دلیشان را واضح بگویند. به‌نظر من این منتقدان نه جنگ را و نه خانواده‌شهدا را به‌خوبی شناخته‌اند

**داستان فیلم «سرو زیر آب» چگونه شکل گرفت؟**
داستان فیلم از این قرار است که یکبری به نام شهید سیاوش آبادیان می‌آید و خانواده دوبار او را شناسایی نمی‌کنند، اما برادرش او را شناسایی می‌کند. بار سوم همه خانواده این پیکر را شناسایی و سپس دفن می‌کنند. در همین حال یک خانواده اسم سیاوش آبادیان را معرفی می‌کند و به دنبال شهیدش می‌گردد. بسیاری از خانواده شهدا هستند که فرزندشان برنگشته است، پدر و مادر این شهدا هنوز هم چشم به در دوخته‌اند و بی‌تابی می‌کنند. این خانواده‌ها هنوز منتظر یک خبر از عزیزشان هستند. شما ببینید که امام موسی صدر ۴۰ سال پیش مقفود شده‌است. خانواده‌اش و مردم می‌گویند که او هنوز زنده است. تا نشانه‌ای از او پیدا نکنند نمی‌توانند نبودش را باور کنند. چنانچه‌ش در فیلم «سرو زیر آب» می‌گوید ما می‌توانیم یک پیکر را به‌عنوان یادبود و پسرخوانده و برادر خوانده به خانواده‌ای بدهیم که فرزندش هنوز برنگشته است. گوشه قبر هم می‌نویسیم و به اعضای خانواده هم می‌گوییم، این خانواده آرام می‌شود. این کار

# فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶

می‌گویند که جنگ زیر سؤال می‌رود. چطور جنگ زیر سؤال می‌رود؟ ۴۰ سال است مستقیم و غیرمستقیم می‌جنگیم، چه چیزی زیر سؤال رفته است؟

بسیاری از فیلم‌های تکنیکی را می‌بینیم که حس و حال فیلم «سرو زیر آب» در آن وجود ندارد. این حس و حال از کجا منتقل می‌شود؟

اگر بخواهید در سینما حرف جدیدی بزنید لازم است به راه‌های ترفته بروید. به‌عنوان مثال در کشورهای غربی تکنیک‌های فیلمسازی‌شان چه در اجرا و چه در فیلمنامه از ما خیلی جلوتر است، امسا با توجه به اینکه ما ابزار و امکانات آنها را نداریم معتقدم اگر فیلمی قرار است حرف جدیدی بزند باید فرم خوبی بیان شود. حالا این فرم خوب می‌تواند در خود منطقه اصلی جنگ و معر که رخ دهد یا می‌تواند در پشت جنگ باشد. من در «فرزند خاک» پشت جبهه را نشان دادم، در «ملکه» خود صحنه و «خط مقدم جنگ» و در «سرو زیر آب» در زمان جنگ و در یک منطقه واقعی کنار خط مقدم جنگ را نشان می‌دهم.

در کارهای تکنیکی اگر ابزار، شرایط و امکانات مالی آن فراهم باشد بالاخره آدم می‌تواند انجام دهد. این نوع سینما که می‌تواند تکنیک را به رخ بکشد بسیار ساده‌تر از آن است که حس فیلم را به بیننده منتقل کند. انتقال حس بسیار سخت‌تر است چون شما با روح و روان آدمی در سینما مواجه هستید که حس مشابه تو را دارد، یعنی اگر قرار است او را غمگین یا خوشحال کنی باید به او نزدیک شوی. همچنین برای انتقال عشق، عرفان، فلسفه و عصبانیت نیاز باید با ابزار حس، نور و محیط جلو بروی و امکانات دیگری نداری.

باید ببذیریم که شرایط برابری برای همه فیلمسازیانی که می‌خواهند در این حوزه فیلم تولید کنند، مهیا نیست. اگر شرایط فراهم بود و حتی نیمی از امکانات برخی از فیلمسازان به من و امثال من داده می‌شد شاید در شرایط راحت‌تری فیلم «سرو زیر آب» را به مقصد می‌رساندم. این فیلم، خانواده شهدای مذاهب دیگر را هم مطرح می‌کند. انگیزه شما برای نشان دادن حضور همه مذاهب و قوم‌ها در جنگ چه بوده است؟

دلیل من برای نشان دادن شهدای مذاهب و قوم‌های دیگر در فیلم «سرو زیر آب» اتحاد بین ادیان و قومیت‌ها در کشور بوده است. به‌نظر من مهم‌ترین نیاز کشور وحدت بین همه مردم، همه ادیان و همه قومیت‌ها برای حفظ کیان کشور است. در حالی که در شرایط جنگ اقتصاد سختی قرار داریم با وحدت‌مان می‌توانیم سرپا بمانیم و کشور را حفظ کنیم. در یک دهه اخیر هجوم به مرزهای کشور و فعالیت شبکه‌هایی که در مورد تجزیه‌طلبی دم می‌زنند بیشتر شده است. در چنین فضایی مهم‌ترین تدبیر ما ایجاد وحدت و تقویت میان همه ادیان کشور است. چه شیعه، چه سنی، چه مسیحی و چه



باید بپذیریم که شرایط برابری برای همه فیلمسازیانی که می‌خواهند در این حوزه فیلم تولید کنند، مهیا نیست. اگر شرایط فراهم بود و حتی نیمی از امکانات برخی از فیلمسازان به من و امثال من داده می‌شد شاید در شرایط راحت‌تری فیلم «سرو زیر آب» را به مقصد می‌رساندم. این فیلم، خانواده شهدای مذاهب دیگر را هم مطرح می‌کند. انگیزه شما برای نشان دادن حضور همه مذاهب و قوم‌ها در جنگ چه بوده است؟

دلیل من برای نشان دادن شهدای مذاهب و قوم‌های دیگر در فیلم «سرو زیر آب» اتحاد بین ادیان و قومیت‌ها در کشور بوده است. به‌نظر من مهم‌ترین نیاز کشور وحدت بین همه مردم، همه ادیان و همه قومیت‌ها برای حفظ کیان کشور است. در حالی که در شرایط جنگ اقتصاد سختی قرار داریم با وحدت‌مان می‌توانیم سرپا بمانیم و کشور را حفظ کنیم. در یک دهه اخیر هجوم به مرزهای کشور و فعالیت شبکه‌هایی که در مورد تجزیه‌طلبی دم می‌زنند بیشتر شده است. در چنین فضایی مهم‌ترین تدبیر ما ایجاد وحدت و تقویت میان همه ادیان کشور است. چه شیعه، چه سنی، چه مسیحی و چه

باید بپذیریم که شرایط برابری این فیلم اختصاص نداده است.

**چرا شهرداری که خودش برای این فیلم سرمایه‌گذاری کرده است همراهی نمی‌کند؟**
نمی‌دانم شاید در آن زمان شهردار شخص دیگری بود و با سرکار آمدن شهردار جدید سیاست‌های کاری نیز تغییر کرده است. انگار همه دست به دست هم داده‌اند که این فیلم نه خوب ساخته و نه خوب دیده و نه خوب اکران شود. دلسردی و ناامیدی عجیبی را به من منتقل کرده‌اند، اما با تمام این ناملایمی‌ها «سرو زیر آب» ساخته شده و اکران شده و نسبت به مشکلاتی که بر سر راهش بود مورد توجه قرار گرفته است.

## فرم اشتراک روزنامه جوان

● **۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سبیا ۰۷۰۰۰۷۲۳۰۵۹۰۱۰ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید. ● ۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید. ● ۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود. ● ۴. لطفاً کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید. ● ۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.**

**هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.**

<b>سه‌ماهه</b>	<b>۶ماهه</b>	<b>نهم‌ماهه</b>	<b>یکساله</b>
۴۱۲/۵۰۰	۸۲۵/۰۰۰	۱/۲۳۷/۵۰۰	۱/۶۵۰/۰۰۰

توضیح: ایناگرگان (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرفراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به خیابان شهید مطهری، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ نامبر: ۸۸۳۴۱۶۵۰

### ویدئو تهران



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت ورزش و جوانان  
اداره کل استان کردستان

اداره کل ورزش و جوانان استان کردستان  
گروه نظارت فنی بر اماکن ورزشی استان

## آگهی دعوت به مناقصه یک مرحله‌ای عمومی

**اداره کل ورزش و جوانان استان کردستان در نظر دارد تا نسبت به برگزاری مناقصه پروژه محوطه سازی مجموعه ورزشی شهید صفری شهرستان بانه واکداری به پیمانکار واجد شرایط مطابق قانون برگزاری مناقصات و عقد قرارداد بر مبنای هپارس بها سال ۱۳۹۷ اقدام نماید.**

لذا از کلیه شرکت‌هایی که دارای حداقل رتبه ۵ و بالاتر در زمینه ابنیه در سامانه ساجات و ظرفیت آزادکاری دعوت می‌شود از تاریخ **۱۳۹۷/۹/۲۲ تا تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۷** نسبت به دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی **www.setadiran.ir** اقدام نمایند.

- موضوع مناقصه: محوطه سازی مجموعه ورزشی شهید صفری شهرستان بانه**
- نام و نشانی کارفرما: گروه نظارت فنی بر اماکن ورزشی اداره کل ورزش و جوانان استان واقع درخیابان پاسداران، مجموعه ورزشی استقلال**
- محل اجرای پروژه: مجموعه ورزشی شهید صفری**
- مبلغ و نوع تضمین: دویست و چهل میلیون ریال و فقط ضمانت نامه بانکی معتبر (صادره توسط بانک‌ها و موسسات مالی، دارای مجوز بانک مرکزی) مورد قبول می‌باشد.**
- محل و آخرین زمان جهت اخذ اسناد مناقصه: سایت ستاد ایران**
- زمان و محل تحویل فقط ضمانتنامه: تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱/۸/۱۳۹۷ دبیرخانه اداره کل ورزش و جوانان**
- زمان و محل پیشنهاد قیمت: پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد ایران بایستی تا ساعت ۹ صبح روز ۱/۹/۱۳۹۷ ثبت گردد.**
- زمان و مکان بازگشایی پاکات پیشنهادات: ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱/۹/۱۳۹۷ دفتر مدیریت اداره کل**
- مدت زمان اجرای پروژه: ۱۲ ماه شمسی**
- برآورد ریالی پروژه: براساس هپارس بها سال ۱۳۹۷ و آخرین شاخص‌های ابلاغی ۷۲۲/۷۶۱/۴۶۸/۴ ریال**
- پیمانکارانی که دارای قرارداد با این اداره کل با پیشرفت فیزیکی زیر ۶۰٪ درصد می‌باشند حق شرکت در این مناقصه را ندارند.**
- مدت اعتبار پیشنهادات ۳ ماه بوده و این اداره کل در قبول یا رد پیشنهادات مختار می‌باشد.**

**هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.**

شناسه آگهی: ۳۱۷۴۴۱



**دوستانی که رسماً سند جنگ را به اسم خودشان زده‌اند احساس می‌کنند این مباحث نباید مطرح شود. چون خودشان زیر سؤال می‌روند. بعد به بهانه خودشان می‌گویند که جنگ زیر سؤال می‌رود. چطور جنگ زیر سؤال می‌رود؟ ۴۰ سال است مستقیم و غیرمستقیم می‌جنگیم، چه چیزی زیر سؤال رفته است؟**

یهودی برای ما محترم است. همانطور که رهبر معظم انقلاب درباره زبان فارسی صحبت می‌کنند و به حفظ اتحاد بین ادیان و قومیت تأکید دارند و همانطور که خود ایشان با خانواده مسیحیان ملاقات می‌کنند و به خانه‌هایشان می‌روند همه این مسائل در کنار هم باعث شده است من در این مسیر حرکت کنم.

**به نظر بسیاری از منتقدان فیلمنامه «سرو زیر آب» می‌توانست پخته‌تر و جامع‌تر باشد. نظر شما چیست؟**

فیلمنامه اصلی بیش از ۱۳۵ دقیقه بود و در حال حاضر ۳۵ دقیقه کمتر از فیلمنامه اصلی ساخته شده است. در مورد تمام خرده داستان‌ها مثل گل‌درز و ماهرو، چیستا و چنانیخس، سرگرد و درچه‌های نداه‌اش، چنانیخس و همسرش ستاره و تمام اینها در فیلمنامه اصلی وجود داشت،اما متأسفانه تحمل سسینمای ایرانی بیش از ۸۴ دقیقه نیست. به‌همین دلیل فیلم کوتاه‌تر شد. باید بگویم من در این مسیر فیلمسازی کمک‌ی ندارم. از طرفی سانس‌هایی که برای فیلم «سرو زیر آب» اختصاص داده‌اند سانس کم ببیننده‌ای است. از طرف دیگر تلویزیون برای بهتر دیده شدن این فیلم کمک نمی‌کند. حتی می‌بینید که شهرداری که سرمایه‌گذار این فیلم بوده، بیلبوردی را برای این فیلم اختصاص نداده است.

**چرا شهرداری که خودش برای این فیلم سرمایه‌گذاری کرده است همراهی نمی‌کند؟**
نمی‌دانم شاید در آن زمان شهردار شخص دیگری بود و با سرکار آمدن شهردار جدید سیاست‌های کاری نیز تغییر کرده است. انگار همه دست به دست هم داده‌اند که این فیلم نه خوب ساخته و نه خوب دیده و نه خوب اکران شود. دلسردی و ناامیدی عجیبی را به من منتقل کرده‌اند، اما با تمام این ناملایمی‌ها «سرو زیر آب» ساخته شده و اکران شده و نسبت به مشکلاتی که بر سر راهش بود مورد توجه قرار گرفته است.

اداره کل ورزش و جوانان استان کردستان